

راستانی: گارد شاهنشاهی - شیوه رزم، حمل سلاح، سوارکاری و آموختن تیراندازی

[نسخه انگلیسی](#)

مقاله پیش رو از نیبل راستانی اولین بار در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۱۰ در وب سایت Iranian.com درج شد. تنها تفاوت آنچه می خوانید با مقاله مذکور این است که تصاویر و ویدئو هایی نیز به آن اضافه شده اند.

نویسنده مقاله، نیبل راستانی، این طور می نوبسد:

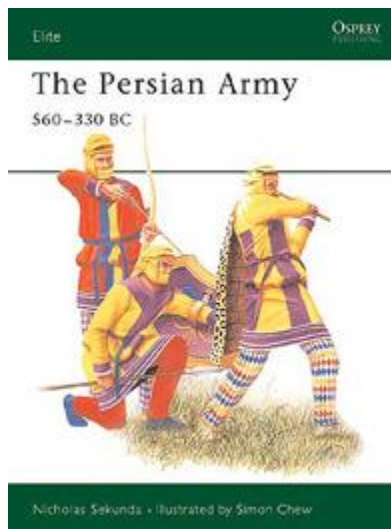
از دکتر کاوه فرخ بابت تحقیقات ایشان در زمینه امپراتوری هخامنشیان و نیروهای نظامی آنها و نگارش کتاب [Shadows in the Desert: Ancient Persia at War](#)^۱ (سایه هایی در کویر: ایران باستان در جنگ) و همچنین از پی بر بریان بابت نگارش کتاب ["تاریخ امپراتوری هخامنشیان \(از کوروش تا اسکندر\)"](#) بسیار سپاسگزارم.

همچنین داریوش کدیور، نویسنده و منتقد سرشناس نیز اینگونه مقاله راستانی را ستود:

نیبل راستانی عزیز، از خواندن این مقاله بسیار لذت بردم. خواندن کتاب کاوه فرخ، [Shadows in the Desert: Ancient Persia at War](#) (سایه هایی در کویر: ایران باستان در جنگ) در کنار "تاریخ امپراتوری هخامنشیان (از کوروش تا اسکندر)" از پی بر بریان بسیار ضروری است. هر دویشان در ارائه تصویر ملموس تر از تاریخ ایران برای ایرانیان و غیر ایرانیان بسیار موفق بودند. همچنین مشارکت کاوه فرخ در مستند شبکه HBO یعنی [Engineering an Empire](#) قابل توجه بود. باز هم از شما برای نگارش این مقاله تحسین آمیز سپاسگزارم.

در این راستا کتاب ارتش هخامنشیان نوشته دکتر نیکولاس ویکتور سکوندا با ترجمه یوسف امیری را به خوانندگان علاقه مند پیشنهاد می کنیم. کتاب های دیگری نیز در زمینه ارتش های باستانی ایران در [وبلاگ یوسف امیری](#) موجود است.

^۱ این کتاب به تازگی به فارسی ترجمه شده و در انتظار کسب مجوزهای لازم برای انتشار به سر می برد. اخبار مرتبط با آثار دکتر کاوه فرخ و همچنین مقالاتشان را می توانید از طریق مراجعه به KavehFarrok.Com پیگیری کنید. پیشنهاد می کنیم که حتما مشترک RSS این وبسایت شوید.



قبل از مطالعه مقاله، توجه خوانندگان را به [نقل قول زیر](#) از پروفیسور پی یر بریان جلب می کنیم:

تحقیقات در زمینه هخامنشیان هنوز هم در دنیای آکادمیک به حاشیه رانده می شود ... هیچ وقت به اندازه کافی به مطالعات در مورد هخامنشیان بها داده نشد.



پروفیسور پی یر بریان

گارد جاویدان (انوشه) نیروهای خبره دست چینی بودند که از زمان کودکی به عنوان گارد سلطنتی شاهان هخامنشی تربیت می شدند. بنا به هرودوت از آن روی آنها را جاویدان می خواندند که هیچ گاه از شمار ده هزار نفر آن ها کم نمی شد و اگر فردی کشته و یا مریض می شد، جای خالی او را با کسی دیگر پر می کردند. به همین ترتیب به تعداد آنها اضافه هم نمی کردند. آجرهای لعاب داده شده رنگی و نقش برجسته های کنده شده بازمانده از دوران هخامنشیان آن ها را در ردهایی که استادانه دوخته شده اند و جواهرآلات طلایی نشان می دهد اما احتمالاً از این پوشاک و لوازم تنها به مناسبت جشن ها استفاده می کردند.

تاسیس و شکل گیری گارد جاویدان

کوروش کبیر که به راستی "شاه چهار گوشه جهان" بود، فرمانروای قدرتمندترین امپراتوری روی زمین بود. آشوری ها، بابلی ها، مادها، کردها، لیدیایی ها، پارت ها، تورک ها، ارمنیان و ایونی ها همگی زیر تحت تسلط ایرانیان پارسی بودند. این امپراتوری از رود سند تا تنگه داردانل (هلنسپُنْتُس) در مرز با اروپا گسترش داشت. در طول نبردهای کوروش، ده هزار تن از بهترین سربازانش گردهم آمدند تا یک هنگ جدید به وجود آورند یعنی گارد جاویدان که همگی ایرانیانی بودند که تا پای مرگ وفادارانه به پادشاه خدمت می کردند.



سواره نظام ماد در دوران هخامنشیان

مرگ کوروش به صورت یک راز باقی مانده است. هرودوت تاریخ دان یونانی می گوید او علیه ارتش ماساگت ها (سکاهای خاوری) کشته شده و سر قطع شده اش غرق در خون شده بود. کتزیاس (پزشک دربار هخامنشی) ادعا کرد که او در حالی که قصد داشت شورش از جانب کمانداران و سوارکاران سکاهای و هندی ها و فیل های جنگی شان را سرکوب کند در عین اینکه شمار

سپاهش بسیار از آنها بیشتر بود کشته شد. اما گزنفون در کوروشنامه خود می نویسد کوروش در آرامش در پایتخت خود، پاسارگاد درگذشت.

سلاح ها و شیوه های تمرین

تنها ایرانیان می توانستند به گارد جاویدان ملحق شوند. بنا به گفته استرابو آنها از دوران کودکی تمرینات سختی را متحمل می شدند و باید قادر به تحمل سختی های شدیدی باشند و یاد بگیرند چطور به کمک میوه های وحشی چون پسته، بلوط، انار و گلابی زنده بمانند. پسران جوان باید می توانستند یک اسب وحشی را رام کنند. آنها شیوه رزم، حمل سلاح، اسب سواری و هنر تیر اندازی را یاد می گرفتند. هرودوت اظهار می کند که افراد گارد جاویدان در نوجوانی در سن پانزده سالگی وارد گارد شده و در پنجاه سالگی بازنشسته می شدند و به آنها مقرری بازنشستگی پرداخت می شد. جاویدان ها زره سنگین پرز دار "شبیبه به پولک ماهی" می پوشیدند و سپری چرمین و ضخیم حمل می کردند که جوش داده شده بودند. آنها کلاههایی نمیدین داشتند که می شد آن را روی صورتشان بکشند و بدین ترتیب خود را از گزند باد و گرد و غبار در دشت های بی آب و علف ایران دور بدارند. همچنین ممکن است که در حین نبرد از کلاهخودهای برنزی استفاده می کردند. سپرهای "مشهور ویولن مانند" گارد جاویدان از چوب و ترکه ساخته شده بود. این سپرها را هم برای دفاع و هم برای حمله به حریف به کار می بردند.

سه سلاح حمله پیاده نظام گارد جاویدان عبارت بودند از: اول شمشیر تیزی که از چوب درخت زبان گنجشک ساخته می شود و کاربرد آن فرو بردن در بدن حریف بود، دومی نیزه میان بردی بود که دو و نیم متر طول داشت و سومی یک کمان بلند دوربرد بود و در دست افرادی که طرز کار با آن را بلد بودند به سلاحی بسیار قوی و کشنده تبدیل می شد. افراد گارد جاویدان می توانستند دشمن را حتی در حال حرکت کردن هدف قرار دهند. ممکن است که برای تاثیر گذاری بیشتر بر روی دشمنان، تیرها را به سم مار کبرای هندی آغشته می کردند با این حال هیچ مدرک استواری در این مورد در دست نیست.

سلاح نبرد تن به تن شمشیر دولبه بود. این شمشیر تیز ۱,۲۵ متری به شکلی تشریفاتی زینت یافته و نقش سر شیر طلایی بر آن قلم زنی شده بود. کاربرد آن سوراخ کردن و ایجاد برش بود. با این حال از این شمشیر به ندرت و تنها در دوئل با جنگجویان رده بالای دیگر استفاده می شد. دیگر سلاح مورد استفاده، ساگاریس (تبرزین) افسانه ای مشهور بود که در حقیقت یک سلاح شبیه به تبر بود که با آن می شد دشمنان را از اسب به زیر کشید و زره های سنگین را خرد کرد. از مهمترین کاربردهای این جنگ افزار، استفاده از آن علیه سربازان پیاده مسلح یونانی و سوارکاران سکایی بود. زره های مدور هویلون یونانی که از چوب بلوطی به ضخامت دو اینچ ساخته شده بود را می شد به وسیله تبرزین تکه تکه کرد.

به نظر می رسد که در انتهای نیزه گارد جاویدان بسته به رتبه شان یک انار نقره ای یا طلایی نصب شده بود و به این ترتیب نیزه شان در دستان سربازان گارد متعادل باقی می ماند. مطابق برخی مورخین و دانشمندان آن ها زنجیر ها و دستبندهای طلایی نیز داشتند که شاید به رده بالای نظامی آنها و ثروتشان در میان ارتش هخامنشیان اشاره داشته باشد.



شمشیر آکینا که هخامنشی - به نشان های شیر و قوچ که هر دو از نماد های ایران باستان بودند توجه کنید (برگرفته از [Manouchehr Moshtagh Khorasani, Arms & Armor from Iran: The Bronze Age to the End of the Qajar Period, 2006](#)).

سازماندهی گارد جاویدان

گارد جاویدان بر حسب کیفیت سربازان و وضعیت اجتماعی شان به هنگ های مختلفی تقسیم می شدند. بلند مرتبه ترین سربازان گارد عضو "هنگ ارغوانی" بودند که نیروهای ویژه گارد جاویدان محسوب شده و محافظان مطمئن پادشاه بودند. رنگ ارغوانی مورد استفاده آنها موسوم به "ارغوانی صوری" که از نوعی حلزون دریایی به دست می آمد بسیار گران قیمت بود. این بخش هزار نفره از گارد جاویدان در انتهای نیزه خود انار طلایی داشتند در حالی که بر نیزه نه هزار نفر دیگر انار نقره ای مرصع به چشم می خورد. هنگ های دیگر گارد جاویدان زرد، قرمز و آبی بودند. در پی هنگ های گارد جاویدان کاروانی از آذوقه آنها در کنار معشوقه ها و خدمه

شان بر روی شترها و قاطرها حمل می شدند. این آذوقه هایی تنها جهت مصرف آنها تدارک دیده شده بود. برخی از افسران رده بالای گارد شاهنشاهی باید برای اثبات شجاعت و مهارت خود در یک نبرد، شیر، یوزپلنگ یا پلنگ می کشتند- مشابه آنچه در مورد شاهان امپراتوری هخامنشی رواج داشت. این افسرها آنگاه پوست آن حیوانی که توانستند بکشند را می پوشیدند.



سرباز اتیویایی نیروی دریایی هخامنشی (چپ)، جنگجوی ایرانی (میانه) و نیزه دار ایرانی (راست) (نیکولاس ویکتور سکوندا، کتاب ارتش هخامنشیان)

حضور در جنگ ها

گارد جاویدان بیش از هر چیز به خاطر جنگ در برابر یونانیان شهرت دارند، احتمالاً برخوردهای بیشتری بین یونانیان و گارد جاویدان صورت گرفته است، اما هیچ کدام از آنها به اندازه نبرد ترموپیل (۴۸۰ قبل از میلاد) شهرت ندارد. این نبرد که به خوبی در بین مورخان شناخته شده است را رسانه ها به شدت اغراق می کنند. خشایارشا و ارتش بزرگ او قصد داشتند آتن و سایر دولت های پیرامون آن را تصرف کنند. یونانی ها تصمیم گرفتند با اتحاد بین خود علیه مهاجمین ایرانی بجنگند. دولت یاغی اسپارت فرماندهی ارتش را بر عهده داشت. شاه اسپارت "لئونیداس اول" تصمیم گرفت که در "ترموپیل/دروازه های داغ" که معبر تنگی در شمال یونان راه را بر ارتش ایران ببندد چرا که در آن فضای کافی برای مانور وجود نداشت و آن چه اهمیت می یافت کیفیت یک سرباز بود، نه شمار آن. یونانیان با ۷۰۰۰ سرباز (۳۰۰ اسپاتران) در تابستان ۴۷۰ قبل از میلاد به آن تنگه پای گذاشتند. ارتش ایران که به گفته منابع یونانی میلیون ها نفر (واضح است که مبالغه آمیز است) بودند در اواخر آگوست یا اوایل سپتامبر به آن محل رسیدند. با وجود اینکه ایرانی ها بسیار پرجمعیت تر از حریف خود بودند اما یونانی ها توانستند در یکی از مشهورترین پایداری های تاریخ، ارتش ایران را به مدت هفت روز (شامل سه روز جنگ) متوقف کنند و بالاخره تا آخرین نفر جان سپردند.

در روز اول خشایارشا از اینکه یونانی ها با آن جمعیت اندک خود جرات مقاومت در برابر نیروی او را داشتند شوکه شد. آرایش یونانیان "فالانژ" خوانده می شد. پیاده نظام های یونانی در این آرایش مستطیل شکل سپرها را به یکدیگر قفل کرده، افراد ردیف های جلویی نیزه ها را برکشیده و از کنار سپرهای ردیف نخست آن ها را رو به سوی دشمن می گرفتند. از این طریق فالانژها یک دیوار از سپر و جنگلی از نیزه هایی که دشمن را نشانه گرفته بودند تشکیل می دادند و از این روی حمله به آن ها از مقابل بسیار دشوار می شد. مزیت دیگر این آرایش نظامی این بود که در هر زمان تعداد بیشتری از سربازان (غیر از ردیف جلو) درگیر جنگ می شدند. خشایارشا به لئونیداس پیشنهاد تسلیم شدن داد تا در عوض او و یارانش زنده و آزاد بمانند. اما لئونیداس در پاسخ به درخواست تحویل سلاحش جمله معروف "بیا و خودت آن را بگیر" را گفت.

نبرد آغاز شد، خشایارشا ابتدا سربازان ماد خود را که زره چرمی پوشیده بودند و نیزه و سپر داشتند به نبرد فرستاد. هزاران نفر از این مردان قتل عام شدند. خشایارشا که تصور می کرد یونانیان "کم تعداد اکنون زخمی شده و توان مقاومت کردن ندارند" گارد جاویدان خود را روانه نبرد کرد.



ظاهر افسران هخامنشیان در حمله خشایارشا به یونان

گارد جاویدان در سپیده دم روز دوم نبرد پیشروی کردند. دو سپاه نیرومند در تنگه ای که تنها چند متر پهنا داشت رو در روی هم قرار گرفتند. فرمانده گارد جاویدان، هیدارنه (به فارسی باستان "ویدارنه" یعنی شکافنده) حمله ای را رهبری کرد که این موجب شد که در صفوف یونانیان تزلزل ایجاد شود اما لئونیداس آن ها را دوباره بسیج کرد و وقتی گارد جاویدان خود را به نیزه های یونانیان زدند تنها خود را به سیخ می کشیدند و راه نفوذی نمی یافتند. علت این شکست در کیفیت بالاتر سربازان یونانی و اسپارت و همچنین مجهز بودن آن ها به سینه پوش برنزی و کلاه خود کورینتوسی بود. تمرینات برتر یونانی ها به خصوص اسپارتان ها در نتیجه مبارزه روز دوم بسیار موثر بود. سلاح های گارد جاویدان هرچند در برابر سایر ارتش های آسیا کاملاً مناسب بود اما نتوانستند خطر چندانی متوجه یونانی ها کند چون زره های یونانی ها در برابر آن ها بسیار مقاوم بودند و گارد جاویدان نمی توانستند به راحتی راهی در میانشان بگشایند. به علاوه، نیزه های دُوی یونانیان در برابر گارد جاویدان بسیار کشنده و موثر ظاهر شد. حتی سپرهای ایرانیان در صورتی که نیرویی با زاویه و سرعت درست وارد می شد می توانست به چند تکه تقسیم شود.

در اواخر روز دوم که شاه ایرانی در فکر تدبیری برای پس از این بود کمکی غیر منتظره به او رسید. یک خائن در میان یونانیان به نام افیالیس به او راه عبور ارتش ایران از ترموپیل را نشان داد. افیالیس این کار را به امید دریافت پاداش انجام داد آنکه خود را برای همیشه بدنام کرد و حتی نام او در زبان یونانی معنای "کابوس" گرفت و به برای همیشه در فرهنگ یونان به صورت نماد خیانت در آمد.



خواجه درباری (چپ) خشایارشا (وسط) نیزه دار سلطنتی (داست) [\(نیکولاس ویکتور سکوندا، کتاب ارتش هخامنشیان\)](#)

هردوت گزارش می کند که خشایارشا غروب آن روز هیدارنه فرمانده گارد جاویدان را با مردانی تحت فرماندهی اش فرستاد تا از طریق آن مسیر یونانی ها را محاصره کنند. اما هردوت اشاره ای نمی کند که این مردان تحت فرماندهی وی چه کسانی بودند. گارد جاویدان در روز دوم متحمل تلفات سنگینی شده بودند و احتمالاً این افراد متشکل از باقیمانده گارد جاویدان و نیروهای تقویتی بودند، در واقع دیودوروس افراد هیدارنه در این ماموریت را ۲۰۰۰۰ تن گزارش کرد. مسیر یاد شده از غرب اردوگاه ایران در امتداد کوه آنوپایا و در قفای صخره هایی بود که در دوجانب مسیر واقع بودند. یک شاخه به مسیر به فوسیسی و دیگری به خلیج مالیان در آلپنوس اولین شهر منطقه لوسریس می رفت.

روز آخر نابودی ارتش یونانی از جمله ۳۰۰ اسپاتران معروف را در پی داشت که تا پای مرگ جنگیدند. پس از پیروزی، خشایارشا دستور داد تا اجساد این ها را دفن کنند تا به روحیه مردانش لطمه ای وارد نشود. خشایارشا که بسیار خشمگین بود دستور داد که سر لئونیداس را از تن جدا کرده و بر دیرکی بیاویزند.

نمونه دیگری از جنگ هایی که گارد جاویدان در آن شرکت داشت نبرد ماراتون (۴۵۰ قبل از میلاد)، نبرد سلامیس (۴۸۰ قبل از میلاد) در قبرس، نبرد ایسوس (۳۳۳ قبل از میلاد)، نبرد گوگمل (۳۳۱ قبل از میلاد) و احتمالاً نبرد دروازه پارس (۳۳۰ قبل از میلاد) بود که در این دو نبرد آخر اسکندر کبیر به امپراتوری هخامنشی حمله کرده و موجب فروپاشی آن شد.

جاویدان ها در رسانه ها و فرهنگ عامه

جاویدان ها در رسانه ها نیز هر از گاهی ظاهر می شدند. در فیلم ۳۰۰ که بر مبنای کتاب فرانک میلر ساخته شده بود، تصویری بسیار تخیلی و دور از واقعیت از "گارد جاویدان" ترسیم شده بود. این جاویدان ها نقاب هایی فلزی مشابه منپوهای ژاپنی بر صورت و یک جفت شمشیر به سبک واکیزاشی های ژاپنی با خود داشتند. در فیلم "سیصد اسپاتران" سال ۱۹۶۲ گارد جاویدان بسیار به حقیقت نزدیک تر تصویر شده بودند و مطابق با واقعیت نیزه و سپر چوبی حمل می کردند. با این حال برخلاف تصاویر تاریخی جامه های سیاه و دیگر رنگ های تاریک پوشیده بودند. در مستندهای تاریخی از جمله "[آخرین ایستادگی ۳۰۰](#)" کلاهخودی که گارد جاویدان می پوشید به شکل یک نقاب سیاه به تصویر کشیده شد که تمام صورت را می پوشانید ولی آنقدر شفافیت داشت که بشود از پشت آن دید. برنامه تلویزیونی "[مرگبارترین جنگجویان](#)" یک جنگ خیالی بین سلت های گاول (فرانسه) قرن ششم و گارد جاویدان ترتیب داد که گارد جاویدان پیروز شد. این شبیه سازی بر مبنای تاکتیک های کار با سلاح و آموزش های جنگاوران بود.



فرتوری یونانی از داریوش بزرگ (نشسته بر تخت در میانه ردیف بالا) که با مشاورانش در مورد احتمال حمله به یونان در ۴۹۰ قبل از میلاد به گفتگو می نشیند. شاهزاده خشایارشا در همان ردیف نفر دوم از سمت راست دیده می شود.

جاویدان ها همچنین در چند بازی کامپیوتری از جمله Rome: Total War: Alexander به عنوان نیروهای زبده شاهان هخامنشی حضور دارند. در این بازی علیرغم ایراداتی چون نداشتن زره و انضباط به صورت کلی دقیق ترسیم شده اند. در بازی Civilization III آن ها به صورت واحدهای پیاده نظام ایرانی و در قسمت دنباله این بازی به اشتباه به صورت واحد سواره تعبیه شدند.

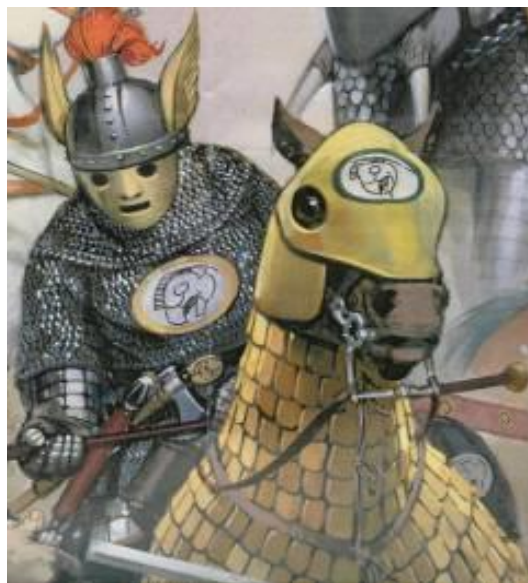
میراث گارد جاویدان

عنوان "گارد جاویدان" در ارتش ساسانیان احیا شد. مشهورترین واحد اسواران ساسانی "ژایدان/جاویدان" خوانده می شدند که ۱۰۰۰۰ نفر عضو آن بودند یعنی درست مانند پیشینیان هخامنشی خود با این تفاوت که این ها سواره نظام بودند. وظیفه جاویدان ها معمولا تامین امنیت پیشروی ها و ورود به نبردها در مواقع حساس بود.



یک جیانسپار/جان سپار که به سبک ساسانیان شمشیر را به جلو اشاره می کند. این سبک در غرب به عنوان "چنگ ایتالیایی" معروف می باشد. این جنگجویان در جنگ بر علیه سربازان رومی در حمله امپراتور جولیان در ۳۶۳ میلادی که با شکست او مواجه شد شرکت داشتند (اسواران ساسانی، نگارش کاوه فرخ و نقاشی از مرحوم آنگوس مک براید، ۱۳۸۶).

عنوان "جاویدان" ها دوباره تحت حکومت میخائیل هفتم، امپراتور بیزانس/روم شرقی (قدرت: ۱۰۸۱-۱۰۷۱ میلادی) زنده شد. ژنرال او نیکه فوروس پس از شکست فاجعه بار در نبرد ملازگرد در برابر ترکان به سال ۱۰۷۱ ارتش مرکزی "تاگماتا" امپراتوری بیزانس را دوباره سازماندهی کرد. او به کمک باقی مانده نیروهای استانی خود گاردی سلطنتی موسوم به جاویدان احداث کرد که بنا به گزارش های متعدد تعدادشان هم ۱۰۰۰۰ نفر بود.



شوالیه های سنگین پستیگبان/پشتیبان گارد سلطنتی به صف های سربازان رومی طی حمله ناموفق امپراتور جولیان به ساسانیان ایران در ۳۶۳ میلادی (اسواران ساسانی، نگارش کاوه فرخ و نقاشی از مرحوم آنگوس مک براید، ۱۳۸۶).

قرن های بعد در طول جنگ های ناپلئونی، سربازان فرانسوی از گاردهای سلطنتی ناپلئون با عنوان گارد جاویدان یاد می کردند. در ارتش مدرن ایران در دوره آخرین شاه ایران نیز افرادی با عنوان گارد جاویدان خدمت می کردند که این عنوان را از همان گارد جاویدان باستانی ایران اقتباس کرده بودند. جاویدان ها در پادگان لویزان تهران استقرار داشتند. در سال ۱۹۷۸ این نیروهای زبده شامل یک تیپ ۴۰۰۰-۵۰۰۰ نفری و یک گردان از تانک های چفیتین بودند. در پی سرنگونی رژیم پهلوی به سال ۱۹۷۹ گارد جاویدان نیز منحل شد.



[این ویدئوی بازسازی عالی یک شوالیه ساسانی است؛ زره، نیزه و کلاهخود او با دقت ویژه ای بازسازی شده است.](#)

از دکتر کاوه فرخ بابت تحقیقات ایشان در زمینه امپراتوری هخامنشیان و نیروهای نظامی آنها و نگارش کتاب [Shadows in the Desert: Ancient Persia at War](#) (سایه هایی در کویر: ایران باستان در جنگ) و همچنین از پی یر بریان بابت نگارش کتاب "[تاریخ امپراتوری هخامنشیان \(از کوروش تا اسکندر\)](#)" بسیار سپاسگزارم.

Histoire de l'empire perse: De Cyrus à Alexandre, Paris, 1996. Gh. Gnoli, "Antico-persiano anušya- [sic] e gli immortali di Erodoto," in J. Duchesne-Guillemin and P. Lecoq, eds., Monumentum Georg Morgenstierne I, Acta Iranica 21, Leiden, 1981, pp. 266-80. C. Hignett, Xerxes' Invasion of Greece, Oxford, 1963. A. T. Olmstead, History of the Persian Empire, Chicago, 1948. A. Pagliaro, "Fortuna di parole iraniche in occidente," Asiatica 9, 1943, pp. 36-42. Idem, "Riflessi di etimologie iraniche nella tradizione storiografica greca," Rendiconti dell'Accademia Nazionale dei Lincei. Classe di Scienze morali, storiche e filologiche, 8th series, vol. 9, 1954, pp. 133-53. N. Sekunda, The Persian Army 560-330 BC, London, 1992. Wikipedia Alexander the Great and Cyrus the Great.